

نگاه چینی به دانش روابط بین‌الملل: چارچوبی برای تغییر نظم جهانی

DOI:10.22034/ir.2021.144714

۷

بهنام وکیلی^۱

ارسلان قربانی شیخ نشین^{۲*}

سعید میرترابی^۳

چکیده

در کنار رشد اقتصادی و افزایش میزان کنشگری پکن در عرصه سیاست جهانی، یکی از جنبه‌های جذاب چشم‌گیر قدرت پکن در شرایط کنونی که می‌تواند ماهیت خیزش قدرت چین و مسالمت‌آمیز بودن آن را از منظری متفاوت تبیین کند، بسط و توسعه نظریه‌های چینی روابط بین‌الملل است. این مقاله با هدف کشف رابطه عمیق میان نظریه‌های نوپای چینی در حوزه مطالعات روابط بین‌الملل و تحکیم موقعیت این کشور در سیاست جهانی، در تلاش است با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی به این پرسش پاسخ دهد که اندیشمندان چینی چگونه و برای دستیابی به چه هدفی سعی در جدا شدن از گفتمان مسلط غربی و خلق نظریه‌های بومی دارند؟ در مقام پاسخ به این پرسش، استدلال اصلی با اتکا به مطالعات رندال کالینز پیرامون خلاقیت فکری بر این منطق استوار است که اندیشمندان چینی در تلاش هستند با اتکا به ایدئولوژی ملی و اصول برجسته فرهنگ باستانی، ضمن مشخص کردن تمایز میان خود و اندیشه‌های غربی، مدل مستقلی از نظم بین‌المللی را با هدف تثبیت موقعیت پکن ایجاد کنند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که روند تکوین و پویای مکتب چینی روابط بین‌الملل، تحت اهداف سیاسی گسترده و فراتر از یک پیوند عقلانی بین وقایع خارجی و نظریه‌پردازی است..

واژگان کلیدی: چین، نظریه‌های روابط بین‌الملل، نظم جهانی، سیستم تیانشیا

۱. دانشجوی دکتری رشته روابط بین‌الملل دانشگاه خوارزمی تهران

۲. استاد گروه روابط بین‌الملل دانشگاه خوارزمی تهران (نویسنده مسئول)

* ghorbani@khu.ac.ir

۳. استادیار گروه روابط بین‌الملل دانشگاه خوارزمی تهران

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۹/۲۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۳/۱۲



فصلنامه

پژوهش‌های

روابط بین‌الملل،

دوره (سال) ۱۱،

شماره ۳، پیاپی ۴۲،

پاییز ۱۴۰۰

صفحات: ۳۰-۷

۱. مقدمه

رشته روابط بین‌الملل مدت‌ها است به‌عنوان یک علم آمریکایی، تحت سلطه دانشمندان، نظریه‌ها و روش‌های غربی بوده است؛ اما طی سال‌های گذشته، نظریه‌های غیر غربی روابط بین‌الملل برجستگی قابل‌ملاحظه‌ای را در حوزه مطالعات بین‌الملل ایجاد کرده‌اند. در این میان، سهم چین و تلاش اندیشمندان چینی بسیار چشم‌گیر است. همان‌طور که یکی از تحولات چشم‌گیر نظام بین‌الملل، خیزش چین به‌عنوان یک قدرت هژمون است. یکی از جنبه‌های جذاب چشم‌گیر قدرت پکن در شرایط کنونی، بسط و توسعه نظریه‌های چینی روابط بین‌الملل است. تلاش برای توسعه نظریه‌های منحصربه‌فرد روابط بین‌الملل با ماهیت چینی، نشانه‌ای از تحول در نظم جهانی است. چراکه جا به جا به جایی قدرت در نظام بین‌الملل همراه با بازسازی نظامی است که منطبق این سیستم را مشخص می‌کند. واقعیت غیرقابل‌انکار عرصه سیاست بین‌الملل این است که قدرت‌های بزرگ برای توجیه نظم خود به یک بینش تئوریک نیاز دارند.

در این میان، تلاش چینی‌ها برای خلق یک نظریه بین‌المللی کاملاً ملی و منحصربه‌فرد است. پرسشی که در همین ابتدا به ذهن متبادر می‌شود این است که چرا یک انگیزه ابتکاری برای توسعه نظریه‌های چینی روابط بین‌الملل وجود دارد؟ منطقی‌ترین توضیح در مورد این انگیزه می‌تواند مبتنی بر این استدلال باشد که تحولات جهان واقع و جا به جایی قدرت که به‌واسطه افول قدرت ایالات متحده و ظهور قدرت‌های نوظهور به وجود آمده، باعث شده تا اندیشمندان چینی در یک تلاش صرفاً آکادمیک به خلق نظریه‌های جدید بپردازند تا با اتکا به آن بتوانند تحولات جهان واقع را ساده‌سازی و تبیین نمایند. در خوش‌بینانه‌ترین حالت دیگر می‌توان چنین پاسخ داد که پکن به یک قدرت سیاسی و اقتصادی عظیم تبدیل شده و به ایده‌های خاص خود نیاز دارد تا راه را برای ظهور مسالمت‌آمیز هموار کرده و همسایگان خود را در مورد اهداف بلند پروازانه خود تسکین دهد.

این پژوهش ادعا می‌کند که چنین پاسخی‌های به نظر سطحی است. در واقع تغییر در جهان واقع اگرچه بر جهت‌گیری این تلاش علمی تأثیر می‌گذارد، اما تأکید بر آن در مورد قدرت در حال خیزش چین، یک نگاه تقلیل‌گرایانه است؛ اما چگونه می‌توان به

اهداف بنیادین تلاش‌های نظری مطالعات بین‌الملل در چین پی برد؟ برای عبور از این رویکرد تقلیل‌گرایانه و کشف واقعیت‌های نامحسوس، پژوهش حاضر قصد دارد تا یک مدل توضیحی را در رابطه با خلق و تکوین نظریه‌های چینی روابط بین‌الملل ارائه دهد. طبیعتاً آنچه را که لازم است، الگویی است که به‌منظور تجزیه و تحلیل و نوآوری نظری، هر دو سطح داخل و خارج را به صورت توأمان مورد مذاقه قرار دهد.

از این رو، پژوهش حاضر با اتکا به مطالعات رندال کالینز پیرامون خلاقیت فکری در تلاش است تا ضمن کشف رابطه عمیق میان دانش و تحکیم موقعیت پکن در سیاست جهانی، مبانی نظریه‌های نوپای چینی را کشف و نشان دهد که امکان تولید دانش و ایده در حوزه مطالعات بین‌الملل با اتکا به منابع محلی و اندیشه‌های باستانی چه نقشی در خلق یک دستور زبان مفهومی در عرصه سیاست خارجی پکن دارند.

بنابراین پرسشی که این مقاله باهدف پاسخ به آن به نگارش درآمده این است که «اندیشمندان چینی چگونه و برای دستیابی به چه هدفی سعی در جدا شدن از گفتمان مسلط غربی و خلق نظریه‌های بومی دارند؟»

با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی، استدلال اصلی با اتکا به آموزه‌های نظریه رندال کالینز بر این منطبق استوار است که «اندیشمندان چینی در تلاش هستند با اتکا به ایدئولوژی ملی و اصول برجسته فرهنگ باستانی، ضمن برجسته کردن تمایز میان خود و اندیشه‌های غربی، مدل مستقلی از نظم بین‌المللی را با هدف تثبیت موقعیت پکن ایجاد کنند». نحوه جمع‌آوری داده‌ها مبتنی بر پایش روندها در منابع دست‌اول، کاوش در منابع اینترنتی، استفاده از اخبار معتبر و درعین‌حال بررسی آمار برخی از مراکز معتبر بین‌المللی بوده است.

۲. چارچوب نظری: خلاقیت فکری رندال کالینز

خلق تئوری‌های روابط بین‌الملل در چین چگونه است؟ تلاش در جهت پاسخ به این پرسش نیازمند بهره‌مندی از یک لنز نظری است تا با اتکا به آموزه‌های آن، مسیر خلق تئوری را در جهان غیر غربی یا به‌طور دقیق در چین کشف کرد. بنیان نظری این مقاله را

مطالعات رندال کالینز^۱ پیرامون خلاقیت فکری اندیشمندان تشکیل می‌دهد. کالینز در مطالعات خود پیرامون فعالیت روشنفکران تلاش می‌کند تا اصول و اساس حاکم بر تولد، بلوغ و شکوفایی اندیشه‌های برآمده از فعالیت اندیشمندان را به نمایش گذارد. این اندیشمند پویایی سنت‌های فکری را با عناصر به هم مرتبط و قانون‌های نظیر سرمایه‌های فرهنگی و خلاقیت روشنفکران بنا می‌سازد. بدین منظور او پاسخ به چند پرسش را دستمایه تئوری خود می‌سازد که چگونه شبکه‌ای از ایده‌ها ظهور می‌کند؟ چرا این ظهور و بروز در یک مقطع زمانی خاص اتفاق می‌افتد؟ چگونه هویت به سمت و سوی این شبکه کمک می‌کند؟ و مهم‌ترین تولیدات ادبی آن شبکه چیست؟ کالینز پس از مطالعه تمدن‌های گوناگون و رهیافت زمینه محور روشنفکران بر این باور است که هرگز فعالیت روشنفکری فارغ از جنبه‌های اجتماعی نظیر سیاست، اقتصاد و آموزش و پرورش قابل فهم نیست؛ بنابراین اندیشه باید با بذل توجه به امر واقع اجتماعی که آن را برمی‌انگیزد، مورد مطالعه قرار گیرد (برمکی، وکیلی، ۱۳۹۰: ۱۲۵).

کالینز در کتاب جامعه‌شناسی فلسفه‌ها^۲ معتقد است که دوره‌های خلاقیت فکری هنگامی رخ می‌دهد که ساختار سازمانی نسبتاً متمرکزی همراه با موقعیت‌های فکری کاملاً مشخص وجود داشته باشد. مدل تولید ایده کالینز از سه لایه علی تشکیل شده است که از شبکه‌های شخصی دانشمندان گرفته تا ساختار سیاسی و اقتصادی را شامل می‌شود. او پیشنهاد می‌کند که یک رویکرد جامعه‌شناختی برای رشد فکری باید ابتدا خوشه‌بندی ایده‌ها را بین کسانی که آن‌ها را تولید کرده‌اند. در نظر بگیرد. سپس تغییر مبانی مادی تولید فکری که بنای توسعه نظریه است را در نظر بگیرد و نهایتاً زمینه سیاسی و اقتصادی پیرامونی را ارزیابی کند (Collins, 1998: 622).

لایه اول تصریح می‌کند که خلق تئوری یک کار ذاتی خلاق و عامل اصلی ابتکار عمل است. با ایجاد تغییرات جزئی در مدل کالینز. مورد دوم ایدئولوژی ملی است. عناصر این لایه می‌تواند گفتمان ملی و تفسیر عناصر مادی و هنجاری نظم بین‌المللی و جایگاه دولت در آن باشد. در این راستا. عناصر مهم گفتمان ملی چین شامل خیزش

1. Randall Collins

2. The Sociology of Philosophies: A Global Theory of Intellectual Change

صلح‌آمیز در تفکر عالی رهبران سیاسی و انعکاس آن در الگوی رفتاری پکن، دور شدن از الگوی مارکسیسم-لنینیسم و احیاء ارزش‌های کنفوسیوسی در خصوص یک چارچوب هنجاری متمایز از نظم بین‌المللی غربی است. به عبارتی این بحث ایدئال‌های شرایط اجتماعی را تشکیل می‌دهد که در آن تئوری‌های روابط بین‌الملل بومی می‌شوند. سومین لایه ساختار اقتصادی و سیاسی است که توازن در قدرت جهانی، عینی‌ترین مصداق آن است. تغییر در توازن قدرت که در نهایت به جا به جایی منابع مادی در مقیاس بزرگ منتهی می‌شود، جایگاه یک کشور را در نظام بین‌الملل مشخص می‌کند. اگرچه قدرت توضیحی در درجه اول در لایه داخلی قرار دارد، اما کالینز عوامل بیرونی را در یک علیت دو مرحله‌ای ترکیب می‌کند که در آن (۱) ساختارهای سیاسی-اجتماعی می‌توانند (۲) سازمان‌های حمایت‌کننده از زندگی فکری را شکل دهند که (۳) به روشنفکران اجازه می‌دهد تا در مجادله‌های فکری با یکدیگر روبرو شوند (Collins, 1998:20).

همان‌طور که کالینز توضیح می‌دهد، در بیرونی‌ترین لایه علی، خیزش یا سقوط قدرت، موقعیت‌ها را تغییر و پایگاه‌های مادی برخی شبکه‌های فکری را با هزینه دیگران گسترش داده و موجب ظهور مواضع فلسفی جدید می‌شود (Collins, 1998:623). افزون بر این‌ها، مدل کالینز تصریح می‌کند که ساختار جهان روشنفکری فقط به تعدادی محدودی از موقعیت‌ها اجازه می‌دهد تا بیشتر مورد توجه قرار گیرند. به عبارتی، تعارض برای توجه یک واقعیت اساسی است. از این‌رو روشنفکران در تلاش هستند تا تمایزات و منحصربه‌فرد بودن را پرورش دهند؛ زیرا عدم توافق با وضعیت موجود، حداقل یک مخاطب را به دست می‌آورد؛ بنابراین کالینز اختلاف خطوط بین موقعیت‌ها را با ارزش‌ترین تفاوت روشنفکران می‌داند. کالینز این گزاره را تحت عنوان «قانون اعداد خرد» توضیح می‌دهد و معتقد است که نوآوری زمانی است که تفاوت‌ها برجسته شوند (Collins, 1998:38).

مطابق با نظریه کالینز این پژوهش انتظار دارد تا نوآوری نظری چینی در جهت مخالفت با گفتمان هژمونیک غربی هدایت شود. با توجه به آنچه از مدل کالینز گفته شد این پرسش شکل می‌گیرد که چرا این نظریه چارچوب مناسبی را برای پاسخ به پرسش

اصلی در اختیار دارد؟ پاسخ به این پرسش از چند جهت قابل تأمل است. ابتدا اینکه کالینز تأکید دارد که باید به یک شرایط اجتماعی که در آن ایده‌ها خلق می‌شوند توجه کرد. سپس رویکرد این تئوری تلفیقی است و در آن سطح داخلی و خارجی را به‌صورت توأمان مورد توجه قرار می‌دهد. افزون بر این‌ها، این تئوری هر دو عنصر مادی و هنجاری را در نظر دارد و توجه به عناصر مادی و معنوی می‌تواند ما را در رسیدن به هدف بهتر رهنمود سازد.

۳. سیر تکوین دانش روابط بین‌الملل در چین

مطابق نظریه کالینز، اولین پرسش در رابطه با خلق و شکوفایی اندیشه‌ها معطوف به فضایی است که شبکه‌ای از ایده‌ها در آن ظهور می‌کند. به عبارتی این اندیشمند استدلال می‌کند که نظریه‌ها در سریع‌ترین حالت خود در صحنه آکادمیک شکل می‌گیرند (Collins, 1998:20). بنابراین این بخش ابتدا تمرکز خود را بستری معطوف خواهد کرد که مبانی نظریه‌های بومی چینی در آن ایجاد و روند تکاملی خود را طی کرده است و سپس سه رویکرد را در مورد اهداف روند نظریه‌پردازی در چین پیشنهاد می‌کند.

در اوایل دهه ۱۹۵۰ حزب کمونیست رشته علوم سیاسی را به عنوان یک رشته مستقل (بورژوازی) لغو کرد. در دوران مائوئیستی، ایدئولوژی کمونیسم و ترسیم انقلاب پرولتری تنها منبع مشروع روشنفکری بود. در طول انقلاب فرهنگی، زندگی فکری به‌طور کلی در دانشگاه‌ها برچیده شد و حتی پس از بازگشایی توسط کمیته‌های انقلابی اداره می‌شد و تنها دانشمندان مارکسیست روابط بین‌الملل مورد حمایت مالی و سازمانی بودند. از آنجاکه تنها یک شبکه فکری وجود داشت، امکان بحث فکری و دیدگاه انتقادی محدود بود (Shoude, 1997:26).

در دسامبر ۱۹۶۳، کمیته مرکزی حزب کمونیست چین دستوری مبنی بر «تصمیم‌گیری برای تقویت تحقیقات درباره امور خارجی چین» را صادر کرد. در پی آن، گروه‌های علوم سیاسی در دانشگاه‌های پکنینگ^۱، فودان^۲ و رنمین، به گروه سیاست بین

1. Peking university
2. Fudan University

الملل تغییر نام دادند. چوئن لای^۱ و چن یی^۲، وزیر خارجه ی اسبق چین، این اقدام را مورد حمایت قرار داده بودند. هدف از ایجاد این سه گروه این بود که متخصصان آشنا به زبان و مناطق مختلف تربیت شوند و آموزش های دیپلماتیک را نیز برای برآورده کردن نیازهای جمهوری خلق چین تازه استقرار یافته ارائه کنند (Geeraerts and Men, 2001:253). برخی ناظران از یک منظر گسترده تر (ژئوپلیتیکی خاطر نشان کرده اند که شرایط سیاسی ناشی از بروز شکاف میان چین و شوروی در اوایل دهه ی ۱۹۶۰، سبب افزایش علاقمندی به مطالعات روابط بین الملل و نهادینه شدن این مطالعات شد (Song, 1997:40).

اما مطالعات علمی مستقل در مورد روابط بین الملل از دهه ۱۹۷۰ یعنی با آغاز دوران اصلاح و گشودن مورد عنایت قرار گرفت. در اواخر دهه ۱۹۷۹ دنگ شائوپینگ به عنوان رهبر برجسته چین، باهدف نوسازی کشور دستورالعمل هایی صادر کرد مبنی بر اینکه حوزه سیاست جهانی باید زمان از دست رفته را جبران کند. اصلاحات سیاسی داخلی شیائوپینگ در کنار گسترش مکانیسم بازار، زمینه را برای پویایی فکری میان اندیشمندان و توسعه نظریه های روابط بین الملل فراهم کرد. سیاست «اصلاحی و فضای باز» دنگ شیائو، سبب ایجاد وقفه در پژوهش های ایدئولوژیکی شد و اندیشمندان چینی شروع به وارد کردن و آموختن از نظریه ی روابط بین الملل غرب کردند. در این حال، شمار فراوانی از اندیشمندان چینی در ایالات متحده آموزش دیدند و نظریه های امریکایی از راه کمک های بنیادهای امریکایی، شروع به انتقال به چین کردند (Zhang, 2003:103). در کنار این عوامل، گشایش تدریجی و بین المللی شدن دانشگاه ها، توسعه ایده های نظری غیر مارکسیستی را تسهیل کرد. از نظر نهادی، نظم دانش روابط بین الملل با اتکا به رویه های امریکایی در ایجاد مراکز تحقیقی تکمیل شد. در دهه ۱۹۸۰ دولت تمایلی به گرفتن مشاوره از محققان تازه استقلال یافته نداشت اما حمایت های مالی خوبی را انجام می داد (Zhang, 2003:102).

1. ZHOU ENLAI
2. Chen Yi-an

پس‌ازاین دوره، تلاش برای بومی‌سازی دانش روابط بین‌الملل در چین طی دو مرحله انجام شد. در مرحله اول و در اواسط دهه ۱۹۸۰ دانشمندان چینی سعی کردند آنچه را که نظریه‌های روابط بین‌الملل با مختصات چینی نامیده می‌شود را توسعه دهند. در راستای این روند اولین گردهمایی دانشمندان در آگوست ۱۹۸۷ برگزار شد. مهم‌ترین مسئله این نشست امکان توسعه یک سیستم نظری برای پیش‌بینی تغییرات عرصه بین‌الملل به‌منظور تدوین استراتژی صحیح برای مواجهه با این تغییرات بود (Nosselt, 2012:14). به عبارتی انگیزه این تلاقی را می‌توان مجموعه از تغییرات و پیامدها در روابط خارجی پکن عنوان کرد که در طول اصلاحات رخ داد. مصادیق این تحرکات بین‌المللی را می‌توان روابط صلح‌آمیز با امپراتوری شوروی و امریکا و تأکید جدید بر نوسازی اقتصادی دانست.

مرحله دوم با ترجمه تئوری‌های غربی روابط بین‌الملل در چین آغاز شد و انگیزه خلق تئوری‌های منحصربه‌فرد چینی را تقویت کرد. نظریه‌های امریکایی مثل رئالیسم، لیبرالیسم و سازه‌انگاری به چین وارد شدند. این کار با کمک بنیادهای امریکایی صورت گرفت و سبب شد برای مدتی، بحث‌ها میان صاحب‌نظران چینی روابط بین‌الملل، در همین چارچوب‌ها شکل بگیرد (Qin, 2007:316). به دنبال ورود نظریه‌های غربی، دانشگاه پکن و رن شیاو هر دو خواستار توسعه مکتب چینی روابط بین‌الملل شدند (Qin, 2011:245).

با برآمدن چین در دهه ی نخست ۲۰۰۰، مطالعات روابط بین‌الملل به شیانشیو^۱ (رشته ای داغ) در دانشگاه‌های چین تبدیل شد. پیش از دهه ی ۱۹۸۰، تنها سه دانشگاه در چین، رشته ی روابط بین‌الملل را آموزش می‌دادند اما در اواخر دهه ی ۱۹۹۰، بیش از ۱۰۰ نهاد و ۶۰ گروه مطالعاتی روابط بین‌الملل، ایجاد شده بود. (Wang, 2009:107) از نظر تئوریک، ایده‌ی کلی مطرح این است که برآمدن چین، بدین معناست که مطالعات روابط بین‌الملل این کشور به مرحله ی «ساخت تئوری^۲»، «خلق تئوری^۳» یا مرحله ی «مکتب چینی» رسیده است (Qin, 2007:321).

1. Xianxue
2. theory construction
3. theory creation

در همین راستا، دانشمندان چینی تلاش قابل توجهی را برای ایجاد نظریه‌های بومی کردند. رئالیسم اخلاقی یان ژوتونگ، نظم تیانشیا ژائوتینگ یانگ و نظریه همزیستی، بخشی از مهم‌ترین تلاش‌هایی است که در مکتب چینی روابط بین‌الملل بسط و توسعه یافته که در بخش پایانی به تفصیل مورد واکاوی قرار خواهد گرفت. از این رو در ادامه به منظور درک و شناخت هر چه بیشتر روند نظریه‌پردازی در چین سه رویکرد پیشنهاد و مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۳-۱. بومی‌سازی نظریه‌های روابط بین‌الملل و نوسنجی نظریه‌های غربی

بدون شک تلاش برای جدا شدن از اندیشه‌های غربی و توسعه نظریه‌های چینی محصول طبیعی و مورد انتظار تحولات نظام بین‌الملل است. بیش از دو دهه است که تعدادی از اندیشمندان چینی نقدهای قابل توجهی را متوجه نظریه‌های غربی روابط بین‌الملل کرده‌اند. بومی‌سازی امری غیرعادی نیست و نباید آن را رد کرد. در آغاز قرن بیستم مطالعه علوم سیاسی در ایالات متحده آمریکا عمدتاً از منابع اروپایی به‌ویژه آلمانی صورت گرفت. چارچوب‌های قالب قرن بیست و یکم برای درک سیاست بین‌الملل، تاریخ و رویه‌های اروپایی است و دور از ذهن نیست که فاقد ارتباط با مدیریت خیزش قدرت چین باشد. از این رو، در زمان شی پینگ دولت با اصلاح انگیزه دانشمندان، روند بومی‌سازی را تسریع کرد. با این وجود برخی از اندیشمندان چینی توسعه نظریه بومی را نه جایگزینی برای نظریه‌های غربی، بلکه غنی‌سازی آن می‌دانستند. آن‌ها بر این باورند که نظریه‌های غربی در مطالعات بین‌الملل فاقد آموزه‌های قدرتمند و ارائه پاسخ‌های رضایت‌بخش است. به عبارتی این اندیشمندان قصد ندارند تا گزینه‌های چینی را جایگزین نظریه‌های غربی کنند بلکه تا حد زیادی ارتباط تفکر و جهان‌بینی غربی را زیر سؤال می‌برد و در نتیجه به دنبال نسبی‌سازی نتیجه‌گیری‌های حاصل از آن هستند.

به طوری که از سال ۲۰۰۵ شین یافینگ^۱ تأکید داشت که باید یک مکتب چینی پیرامون مسائل اصلی بین‌المللی ایجاد کرد تا زمینه را برای ادغام مسالمت‌آمیز چین در جامعه بین‌الملل تسهیل کند. او همچنین تأکید دارد که اگر می‌خواهیم چیزی داشته



1. Qin Yaqing

باشیم، باید با چیزهای دیگر ترکیب کنیم. به‌عنوان مثال، واقع‌گرایی را باید با تجربه و تفکر سنتی چین ترکیب کرد (Grachikov, 2019:1).

همان‌طور که لوپنگ استدلال می‌کند، دو رویکرد متفاوت زمینه‌ساز ترغیب نظریه-پردازی در مکتب چینی است. روش اول با تفکر چین باستان و مدرن آغاز می‌شود تا به درک منحصربه‌فردی از هستی‌شناسی سیاست جهانی دست یابد. در اینجا سهم چین از نظریه‌های روابط بین‌الملل منابع فکری محلی از جمله فلسفه کنفوسیوسی و تفکرات استراتژیک رهبران چین است. به‌عنوان مثال سیستم تیانشیا یک برنامه تحقیقاتی ارائه‌شده توسط یانگ سوتونگ و مبتنی بر اندیشه‌های سیاسی دوران ماقبل شین است. یکی دیگر از مختصات تئوری‌های چینی، تفکرات استراتژیک رهبران این کشور است. به‌عنوان مثال جهان هماهنگ هوجیتائو یا جامعه سرنوشت مشترک که توسط شی پینگ به‌عنوان گزینه‌های جایگزین برای چشم‌انداز غربی از نظم بین‌المللی ارائه‌شده، ریشه در اندیشه‌های باستانی چین دارد.

رویکرد دوم مبتنی بر منطق سنتی چینی است تا به یک روش منحصربه‌فرد برای درک جهان برسد. نظریه رابطه‌ای شین یافینگ در این رویکرد برجسته است. او بر این باور است که فضای اجتماعی رفتار دولت‌ها را شکل می‌دهد و محدودیت‌هایی بر سر راه آن‌ها ایجاد می‌کند (Lu, 2018:1). بنابراین اولین موج انگیزه بومی‌سازی نظریه‌های روابط بین‌الملل از این عقیده ناشی می‌شود که علوم اجتماعی و به‌ویژه مطالعه روابط بین‌الملل همیشه درگیر در روابط قدرت و منافع شخصی دولت‌ها است. مطابق چنین رویکردی می‌توان استدلال کرد که مکتب چینی به‌عنوان یک تلاش علمی هنوز توانسته چارچوب‌های جدید قانع‌کننده‌ای را برای درک سیاست بین‌الملل ایجاد کند و در خوش‌بینانه‌ترین حالت توانسته مشارکت علمی در رژیم دانش جهانی روابط بین‌الملل داشته باشد.

۲-۳. نظریه‌پردازی به‌مثابه یک پروژه استراتژیک سیاسی

هنگامی که به توزیع ایده‌های می‌پردازیم که نظم بین‌المللی را ترسیم می‌کنند، می‌توان بین محتوای ایده پردازی و الگوی تولید آن‌ها تفاوت قائل شد. طبیعتاً محتوای تئوری‌های

غربی متأثر از آگاهی تاریخی و اندیشه‌های سیاسی اروپا است. بدون شک، سنت غنی دولت، فلسفه و اندیشه سیاسی در تاریخ تمدن چین منابع کافی و قابل قبولی را برای خلق ایده‌های نوین فراهم می‌کند. به‌عنوان مثال، مفهوم تیانشیا^۱ یکی از مبانی فلسفی توسعه نظریه چینی روابط بین‌الملل است؛ اما رویکرد دیگری نسبت به این موضوع وجود دارد که مبتنی بر این مدعا است که چین به‌طور فزاینده‌ای در حال تحمیل قدرت گفتمانی خود است. آن‌چنان‌که هابسون اشاره دارد: نظریه‌های بین‌المللی غربی، اسطوره-ای اثبات‌گرایانه از تجزیه و تحلیل عینی فارغ از ارزش را حفظ می‌کنند

(Hobson, 2012: 16). در واقع فزادستان نظریه‌های غربی می‌کوشد تا تمدن غرب را به‌عنوان بالاترین یا ایدئال‌ترین مرجع هنجاری در سیاست جهانی معرفی کند و ظهور قدرتی همچون چین را به‌عنوان تهدیدی علیه نظم بین‌الملل بیان کند. به عبارتی دیگر، بازیگران سعی دارند با ساختن روایت‌های از کنش‌ها و ارزش‌ها، رفتار خود را مشروعیت بخشند. در اینجا نوع قدرتی که از طریق گفتمان به دست می‌آید کاملاً متفاوت از درک سنتی آن است.

همچنین باید توجه داشت که تئوری‌های سیاست جهانی اگرچه در سطح عینی و خشتی هستند اما خاستگاهی در روابط قدرت دارند و باعث تأثیرگذاری و مشروعیت بخشیدن به رفتار بازیگران هستند. به‌عنوان مثال، نظریه برخورد تمدن‌های هانتینگتون نه تنها معنای ادامه تسلط غرب بر جهان ایده‌ها است بلکه برای تعیین شرایط در جهان مفید است.

بنابراین یکی از دغدغه‌های حزب کمونیست چین نه تنها حفاظت از مرزهای سرزمینی در مقابل تهدیدات خارجی است بلکه متمرکز بر کنترل و انتشار ایده در مورد آینده، نقش و مشروعیت چین در جهان است. از این رو، تأثیر چین بر چارچوب‌های هنجاری بین‌الملل نه صرفاً یک مسئله آکادمیک بلکه یک پروژه استراتژیک سیاسی است. پرسشی که در اینجا مطرح می‌شود این است که چرا اندیشمندان روابط بین‌الملل چینی در این روند، اتکای قابل توجهی به منابع باستانی و فرهنگی کشور خود دارند؟

1. Tianxia

همان‌طور که کالینز مطرح می‌کند، تمایز برای جلب توجه یک واقعیت اساسی است؛ بنابراین به نظر می‌رسد اتکا به آموزه‌های بومی و باستانی دانشمندان را قادر می‌سازد تا تمایز خود را در سطح بین‌المللی به حداکثر برسانند. از این رو، یکی از اندیشمندان چینی تأکید می‌کند که «اگر شما در حال تحقیق در مورد نظریه با سبک آمریکایی هستید، نمی‌توانید از دانشمندان آمریکایی پیشی بگیرید؛ زیرا همه این نظریه‌ها ریشه در فرهنگ غربی دارد بنابراین اگر می‌خواهید یک دستاورد واقعی داشته باشید، باید کاری را انجام دهید که غربی‌ها نتوانستند آن را به راحتی درک کنند» (Kristensen, 2013:9).

نشانه‌های تداوم این رویکرد در اندیشه رهبران سیاسی قابل پیگیری است. در سال ۲۰۱۶ شی پینگ در کنفرانسی حمایت بیشتر از روشنفکران را اعلام کرد و ابراز تأسف کرد که صدای فلسفه و علوم اجتماعی چین هنوز در جامعه بین‌المللی کم است. وی یک سال بعد سندی را در خصوص توسعه و بومی‌سازی بیشتر فلسفه و علوم اجتماعی منتشر کرد که بر ضرورت استفاده از نظریه‌های چینی برای خلق گفتمان خارجی و بین‌المللی تأکید داشت (Rolland, 2020:29).

در همین راستا لیوجنافی^۱ مدیر موسسه مطالعات استراتژیک بین‌المللی حزب مرکزی بر این باور است که بیش از دوسوم کشورهای جهان از سیستم سیاسی «مدل غربی» استفاده می‌کنند و بیش از ۱۳۰ دموکراسی در جهان وجود دارد. با توجه به این عدم تعادل لیو هشدار می‌دهد که یک نبرد ایدئولوژیک با غرب وجود دارد. همان‌طور که یکی از مشاوران شی پینگ اشاره می‌کند، مبارزه بر سر قاعده‌گذاری و جهت‌گیری نظم بین‌المللی به‌طور فزاینده‌ای در حال برجسته شدن است و این مربوط به قدرت گفتمانی است (Smith, 2020:55). به عبارتی رهبران سیاسی و اندیشمندان چینی بر این واقعیت صحنه می‌گذارند که بدون توسل به فلسفه و علوم اجتماعی هیچ قدرت گفتمانی وجود ندارد و از این رو محققان روابط بین‌الملل این مبارزه را برای دستیابی به قدرت گفتمانی انجام داده‌اند.

۳-۳. نظریه پردازی و خلق هویتی جذاب

نهایتاً جنبش مکتب چینی را باید کوششی در جهت ایجاد هویتی دانست که می‌خواهد سیاست‌های جهان را با توجه به ایدئولوژی و تجربیات چین نشان دهد. محققانی که در ساخت تئوری‌های چینی فعالیت می‌کنند در تلاش هستند تا تصویری با این محتوا ارائه دهند که چین چگونه ملتی است و چه آرمانی در مورد نظام بین‌الملل در ذهن دارد؟ یکی از اندیشمندان این حوزه تأکید دارد که نظریه‌های چینی روابط بین‌الملل ماهیتی هنجاری سازنده دارد که می‌کوشد جهان را از منظر چینی بازسازی کند؛ بنابراین روند هویت‌سازی در چارچوب تلاش‌های علمی پروژه‌ای است که مکتب چینی روابط بین‌الملل آن را برای الگوی رفتاری چین ضروری می‌داند. در این راستا یکی از متخصصین این حوزه متذکر می‌شود که اگر ما از زاویه فرهنگی به برنامه‌ریزی جامع استراتژیک نپردازیم و نگاه چینی به نظم جهانی ایجاد نکنیم، راهی را خواهیم رفت که غرب پیموده است (Smith, 2020: 59).

به‌منظور فهم دقیق‌تر این رویکرد باید به مفهوم‌سازی نظم بین‌الملل به‌عنوان یک پروژه استراتژیک سیاسی بازگشت. قدرت‌ها تحولات سیاست‌های جهان را طبق برخی ایده‌ها و هنجارهای فرهنگی نظم می‌دهند. تغییر توازن قدرت مادی نه‌تنها به این دلیل که نظم سیاسی قدیم را از بین می‌برد بلکه از آنجا که به قدرت‌های جدید امکان ایجاد یک نظم سیاسی جدید را می‌دهد، مهم است. در این رابطه سه موضوع از متن نظریه‌های روابط بین‌الملل چینی پیرامون هویت چین و آینده نظم جهانی قابل‌استخراج است: (۱) ظهور جهان چندقطبی با خیزش چین به‌عنوان یکی از قطب‌های اصلی که مصادف است با افول نسبی قدرت ایالات متحده آمریکا. این دوره می‌تواند سرآغاز رقابت چند قدرت بزرگ برای حاکمیت جهانی باشد. (۲) استثنا‌گرایی چین که برآیند تاریخ و فرهنگ منحصربه‌فرد این کشور است. در این قرائت چین یک قدرت در حال ظهور اما در مسیری متفاوت از توسعه‌طلبی رویکردهای غربی است. در حالی که تاریخ دیپلماسی غرب مبتنی بر استبداد است، چین یک هژمون خیرخواه است. این تفکر را می‌توان به اندیشه‌های کنفوسیوسی نسبت داد. (۳) خلق هویتی با این منطق که چین با موفقیت مسیر توسعه را طی می‌کند که نشانه‌های آن را می‌توان در ایده (راه‌حل چینی) جستجو

کرد. به نظر می‌رسد این دیدگاه در مقابل ایدئولوژی لیبرال غربی قرار گیرد که مدل توسعه و حالت‌های حاکمیت را متأثر از ایدئولوژی غربی تعریف می‌کند. در ایده راه‌حل چینی سیستم جهان از کشورهای با سیستم‌های سیاسی و اقتصادی ناهمگن تشکیل شده است. برخلاف الگوهای غربی که اصرار بر همگن‌سازی دارد، راه‌حل چینی یک الگوی واحد نیست که ملل دیگر لزوماً از آن الگو تبعیت کنند؛ اما این ایده نشان می‌دهد که چگونه زیرساخت‌ها می‌توانند پهنای باند مناسبی را برای توسعه ارائه دهند (Brahm, 2018:1).

مطابق این دیدگاه می‌توان به صراحت اذعان کرد که دانش در مورد روابط بین‌الملل منوط به درک موقعیت فرد نسبت به دیگران است؛ بنابراین اندیشمندان چینی با درک موقعیت فعلی چین در سیاست جهانی در حال تدوین دستور زبان جدیدی برای سیاست خارجی پکن هستند. به عبارتی این محققان با جدا شدن از گفتمان‌های غربی و تغییر شکل عمل سیاسی در چارچوب‌های گفتاری که مطابق با سنت‌های حکمرانی چینی است، در تلاش برای بسط و توسعه ایده‌های جدیدی از خود ملی و نقش پکن در نظم بین‌المللی هستند. این اندیشمندان به فراسوی تفسیر تغییر جهان می‌نگرند و به دنبال آگاهی بخشیدن به مباحث مربوط به سیاست خارجی و تأثیرگذاری بر سیاست‌گذاران در مورد یک روش ترجیحی هستند. آن‌ها نظم بین‌المللی جدیدی را که منتج از مبارزه هژمونی گفتمانی است پیکربندی کرده‌اند. دور از واقعیت نیست که بگویم خیزش قدرت چین باعث تغییر هویت‌ها و معانی ثابت قبلی شده و فرصتی را برای تعریف نظم سیاسی جدید فراهم کرده است. تلاش برای ایده پردازی و نظم سیاسی جدید در آسیا جلوه ویژه‌تری دارد. جایی که چین چشم‌انداز متفاوتی را برای کنشگری خود متصور است؛ بنابراین در رابطه با روند خیزش قدرت چین و خلق تئوری‌های پیرامون نظم جهانی باید در نظر داشت که متغیرهای علی تنها از خارج به داخل حرکت نمی‌کند بلکه آن دسته از تراوشات نظری که ریشه در ایدئولوژی ملی و باستانی دارد، از داخل به خارج در حال حرکت است.

مطابق با آنچه در این بخش مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت باید اذعان کرد که توسعه نظریه در مطالعات روابط بین‌الملل چینی در چارچوب یک گفتمان ضد

هژمونیک در حال رویش است که می‌خواهد سیاست‌های جهان را با توجه به هویت خود ترسیم کند.

۴. جهانی‌سازی منافع چین و خیزش تئوریک

مطابق نظریه کالینز، بیرونی‌ترین لایه خلق ایده، ساختار سیاسی و اقتصادی است که مهم‌ترین مصداق آن تغییر در موازنه قدرت جهانی است. روشنفکران همواره در تلاش هستند تا تحولات نوین عرصه سیاست جهانی را برجسته کنند. برجستگی چین در عرصه سیاست جهانی طی سال‌های اخیر باعث جسارت دانشمندان روابط بین‌الملل چینی شده تا از "روش چینی" تفکر در مورد روابط بین‌الملل حمایت کنند و ایده‌های سنتی چینی را در جهت خلق نظریه‌های بومی بکار گیرند. پرسشی که این بخش بدان خواهد پرداخت این است که چگونه افزایش قدرت چین در سیاست بین‌الملل روشنفکران چینی را در جهت خیزش تئوریک و خلق نظریه‌های بومی ترغیب کرده است؟ مدعای این بخش بر این منطق استوار است که یک قدرت اقتصادی و سیاسی در حال خیزش برای اینکه سیاست خارجی بهینه و کارآمدی را در پیش گیرد نیاز به متخصصان و مشاوران این حوزه دارد و از طرف دیگر افزایش نقش در سیاست جهانی، معماهای جدیدی را در ذهن جامعه متخصصان این حوزه ایجاد می‌کند. به عبارتی، این خیزش تئوریک نشانگر یک تحول در دوران نظم بین‌المللی و خیزش قدرت چین است.

رابطه بین قدرت و دانش در سیاست جهانی را در این استدلال ای‌اچ کار می‌توان یافت که مطالعه روابط بین‌الملل در کشورهای انگلیسی زبان صرفاً مطالعه بهترین روش برای اداره جهان از موضع قدرت است. وی همچنین پیش‌بینی کرد که مطالعه روابط بین‌الملل در کشورهای غربی مطالعه‌ای در مورد بهره‌برداری افراد ضعیف‌تر توسط افراد قوی‌تر است (Barkawi, 2006:349).

به‌طور معمول جایگاه چین در دنیای کنونی به‌واسطه قدرت اقتصادی این کشور تعیین می‌شود. چین در همه قاره‌ها مشارکت استراتژیک داد و موافقت‌نامه تجاری امضاء کرده است. حضور برجسته در سیاست جهانی، سیاست‌گذاری در این عرصه را از یک کانال باریک خارج کرده و حضور متخصصان و نظریه‌پردازان را ضروری کرده است. در این رابطه می‌توان به ایده‌هایی پرداخت که توسط اندیشمندان خلق شده، اما رهبران سیاسی

برای هدایت سیاست خارجی از آن‌ها بهره جسته‌اند. به‌عنوان مثال هو جیتائو دو مفهوم مهم رسمی را در سیاست خارجی مطرح کرد. مفهوم نخست یعنی ظهور صلح‌آمیز که ابتدا توسط یکی از اندیشمندان و مشاورین جیتائو بنام "زنگ بیجیان" ارائه شد. این مفهوم که در پاسخ به نظریه‌های تهدید چین مطرح شد، بر این استدلال استوار است که چین در مسیر وابستگی متقابل اقتصادی و همکاری سیاسی است. مفهوم دیگری که مورد استقبال هو قرار گرفت، مفهوم جهان هماهنگ بود که بسیاری از ناظران بر این باورند که ایده جهان هماهنگ از کتاب ژائوتینگ یانگ در مورد سیستم تیان‌شیا الهام گرفته شده است (wang,2009:3).

همچنین اهمیت و نقش خیزش قدرت اقتصادی به‌عنوان یک عامل تسهیل‌کننده خارجی از دو جهت قابل تبیین است. از طرفی رشد اقتصادی ماهیت کنشگری و نقش پکن را در عرصه سیاست جهانی برجسته کرده است که یک منبع مهم تغذیه برای جامعه متخصصین است. همان‌طور که کالینز معتقد است، معماهای حل‌نشده، با ارزش‌ترین منابع روشنفکران برای خلق ایده است. یکی از مهم‌ترین مسائلی که طی سال‌های گذشته ذهن دست‌اندرکاران و اندیشمندان روابط بین‌الملل را به خود جلب کرده، ماهیت الگوی رفتاری و مفهومی است که به‌عنوان خیزش صلح‌آمیز شهرت دارد. نظریه‌های رئالیستی به‌عنوان پارادایم قالب فکری در غرب با اتکا به این استدلال که قدرت‌های در حال خیزش به جنگ یا زور متوسل می‌شوند، معتقدند که چین راه پیروزی را مسالمت‌آمیز طی نخواهد کرد؛ بنابراین شین یافنگ به‌عنوان استاد روابط خارجی معتقد است که آینده احتمالی نظریه‌های روابط بین‌الملل در چین باید به خیزش صلح‌آمیز چین تمرکز کند. او معتقد است که ما به یک نظریه نیاز داریم تا نشان دهیم چرا چین می‌تواند به روشی صلح‌آمیز روند توسعه خود را ادامه دهد (Kristensen,2013:11).

از طرف دیگر خصوصی‌سازی شرکت‌های دولتی و ایجاد مناطق ویژه اقتصادی موجب شده تا بودجه بیشتری جهت تحقیقات و نظریه‌پردازی صرف شود. حمایت مالی اندیشمندان را قادر می‌سازد تا منابع تحقیقاتی خود را به آسانی فراهم کند؛ بنابراین پویایی سیاست خارجی و جایگاه پکن در عرصه نظام بین‌الملل از جهتی به‌صورت مستقیم اندیشمندان روابط بین‌الملل را در مسیر همکاری و تبیین وضع موجود قرار داده و از

طرفی به صورت غیرمستقیم فضای فکری متفاوتی را خلق کرده و متفکران را در چارچوب حل مسئله قرار می‌دهد.

به‌طور کلی ایدئولوژی و پتانسیل‌های نظری محلی در کنار تغییر قدرت در جهان خارج بر ایجاد ایده‌های جدید سیاست جهانی تأثیر می‌گذارد و توسط دانشمندان به شکل چارچوب گفتمانی درمی‌آید. از این رو در بخش بعد به تشریح یکی از تلاش‌هایی خواهیم پرداخت که تحت عنوان (سیستم تیانشیا) در مکتب چینی روابط بین‌الملل مورد توجه جدی قرار گرفته است.

۲۳

۵. تیانشیا: چارچوبی برای درک جایگاه و حکمرانی مناسب

صورت‌بندی محتویات بخش‌های قبل با اتکا به مسیری که رندال کالینز در خلق ایده‌ها پیش‌بینی کرده بود چشم‌انداز مناسبی را در خصوص خیزش نظریه‌های چینی روابط بین‌الملل و روند تکوین آن به دست داد؛ اما کالینز مرحله‌نهایی را به این پرسش اختصاص می‌دهد که مهم‌ترین تولیدات ادبی این شبکه چیست؟ بدین منظور، در ادامه با ارزیابی انتقادی یکی از ایده‌های مورد استقبال در مکتب چینی روابط بین‌الملل قصد داریم تا نشان دهیم که چگونه دانشمندان چینی با اتکا به ایدئولوژی ملی و نقوش برجسته باستانی در تلاش‌اند با خلق ایده‌های بومی تصویری از نظم بین‌المللی و نقش چین در سیاست جهانی به دست دهند. همچنین این بخش می‌تواند فضای ایده‌آلی را برای پاسخ به این پرسش فراهم کند که آیا می‌توان چشم‌انداز منسجمی از نظم بین‌المللی را از تئوری‌های چینی روابط بین‌الملل استخراج کرد؟

ژائوتیانگ یانگ^۱ که با مفهوم چینی تیانشیا اعتبار یافت، بر این باور است که ریشه‌های مشکلات بی‌شمار قرن بیست و یکم (ناسیونالیسم، پوپولیسم، نابرابری فزاینده، تخریب محیط زیست و تروریسم)، کشورهای شکست‌خورده نیستند، بلکه جهانی شکست‌خورده است. این مشکلات از جهانی ناشی می‌شود که تفکر ما را به جهان‌بینی دولت-ملت محدود می‌سازد. وی بر این باور است که ما در دنیای وستفالی زندگی می‌کنیم و با توجه به ماهیت انارشیک بین‌الملل بی‌رحمانه با یکدیگر برای کسب قدرت در رقابت هستیم. آنچه از نظر این اندیشمند لازم است، تکیه بر یک سیستم بین‌دولتی است که به جای



نگاه چینی به دانش
روابط بین‌الملل:
چارچوبی برای تغییر
نظم جهانی

1. Jianfei Liu

پرورش تعارض، هماهنگی ایجاد می‌کند. پروژه ژائو از مهم‌ترین نظریه‌های روابط بین‌الملل چینی است که وی برای ایجاد نظمی جدید و هماهنگ به فراسوی دولت‌های ملی می‌نگرد. ژائو به دلیل شکستن سیستم کنونی دولت‌های ملی، از جهانی شدن به عنوان یک تغییردهنده بازی یاد می‌کند و معتقد است که زمان آن رسیده تا هنجارهای عمیقاً مناسب در مورد حکومت جهانی را مرور کنیم. در این میان آنچه را که لازم است، اصلاحات اساسی سیستم مبتنی بر دولت و بازگشت به ترتیبات سیاسی سنتی چین است. برای ایجاد چنین سیستمی او به مفهوم پیشامدرن تیان‌شیا متوسل می‌شود. تیان‌شیا به معنای (همه زیر آسمان) یکی از مهم‌ترین مفاهیم در اندیشه سیاسی چین است. می‌توان استدلال کرد که این مفهوم چارچوبی برای درک چین از جایگاه خود و حکمرانی مناسب در جهان است. این مفهوم سه معنی مختلف دارد (۱) همه زیر آسمان به عنوان یک عنصر سرزمینی (۲) یک انتخاب مشترک به عنوان یک عنصر هنجاری و (۳) یک نهاد جهانی (Zhao, 2009:9).

نظام تیان‌شیا در سلسله پادشاهی زو ایده‌ای سیاسی را مطرح کرد که به مسائل جهانی می‌پرداخت. با این حال دقیقاً مشخص نیست این رویکرد غیرمعمول درباره سیاست چه زمانی مطرح شده است. در اسناد تاریخی بحث درباره ۴ تا ۵ هزار سال قبل است که البته ظاهراً بیشتر جنبه‌ای نمادین دارد. بر اساس افسانه‌های این دوران، نوعی همکاری سیاسی میان "ده هزار دولت تیان‌شیا" زیر لوای فرزند آسمان (امپراتور) وجود داشته است. با این همه پادشاه زو که به فضیلت و دانایی شهرت داشت، مورد علاقه تعداد دیگری از دولت‌های کوچک محلی بود. به همین علت بود که زو به یک رهبر متعهد و مورد توافق تبدیل شد. درعین حال پس از این پیروزی، اوضاع بسیار بی‌ثبات شد چراکه شمار زیادی از اتباع پادشاهی شکست خورده شیانگ، به یک باره به دولت زو پیوستند. در این میان دولت زو که به موقعیت رهبری این دولت‌های کوچک دست یافته بود، با شرایط سیاسی ویژه‌ای برای سامان دادن به این اوضاع و اطمینان دادن به طرف‌های مختلف تازه پیوسته به دولت روبرو شد. معمایی که دولت زو با آن روبرو شد این بود که چگونه امکان دارد به عنوان دولتی کوچک، بر قلمرویی بزرگ حکومت کند و چگونه به عنوان یک رهبر دولت، بر شمار زیادی از رهبران، حکم براند؟ در این حال زو با تکیه بر جاذبه اخلاقی‌اش، توانست ائتلاف‌هایی را با دولت‌های خراجگزار پادشاهی شانگ، برای تصرف قلمرو آن

ایجاد کند. این جاذبه اخلاقی در کوتاه مدت برای بسیج نیروها در زمان جنگ موثر بود اما به تنهایی نمی توانست در درازمدت پشتیبانی و حمایت همه دولت های خراج گزار را تضمین کند چرا که در تراحم قدرت و منافع میان طرف های مختلف، امور اخلاقی به تنهایی کافی نبود.

بنابراین، منطق "حکومت کردن کوچک بر بزرگ" به شکلی منطقی، احتمال کاربرد الگوی هژمونی برای حکومت را از بین برد. در این میان، رژیم زو، تنها یک گزینه پیش رو داشت: اینکه به الگویی از حکمرانی روی آورد که به جای بازدارندگی نظامی، به جاذبه نظام متکی باشد؛ به عبارت دیگر، مزایای همکاری را با قدرت نظامی و نظم مبتنی بر سلطه و برتری، جایگزین سازد. بدین ترتیب در قالب نظام تیانشیا، دولت های خراج گزار به عضو این نظام تبدیل شدند. این نظام متشکل از یک نهاد سیاسی حاکم به نام سوزریان بود که بر امنیت و نظم مشترک و حفاظت از منافع اعضا، نظارت داشت. هر دولت عضو، به شکلی مستقل اداره می شد اما عضو این نظام مشترک محسوب می گردید و با سوزریان در ارتباط متقابل قرار داشت و تحت نظارت آن بود؛ اما همزمان اجازه داشت نقش نظارت را نیز در این نهاد ایفا کند. تیانشیا یک نظام خاص اهدای زمین در برابر انجام تعهدات (تیول داری) ایجاد کرده بود که در آن، امپراتور به عنوان برترین پادشاه جهان، حاکمیت سیاسی این جهان را در اختیار داشت، اما حق مالکیت نداشت چراکه این حق تنها به آسمان اختصاص داشت؛ بنابراین، امپراتور به عنوان فرزند آسمان، تنها از جانب آسمان این نیابت را داشت تا بر جهان حکمرانی کند. زمانی که امپراتور، فضایلش را از دست می داد، او دیگر شایستگی حکومت بر جهان را نداشت. در این حال، امپراتور تنها این حق و اختیار را داشت که از جهان استفاده کند و آن را اداره نماید. برای توضیح بیشتر در این باره باید گفت که امپراتور، قدرت خود برای اداره جهان را از راه مأموریتی که آسمان به او می داد، به دست می آورد. برای اینکه ادعای اختصاص این مأموریت به امپراتور مورد تأیید قرار می گرفت، لازم بود، شواهد ملموسی ارائه شود در غیر این صورت، چنین ادعایی مقبول واقع نمی شد. بر این اساس زو باور داشت که امپراتور باید فردی با فضیلت و پارسا نسبت به مردمش باشد و خوشبختی و سعادت را برای مردمش به همراه آورد. توفیق در تحقق بخشیدن به این فضایل، به عنوان نشانه این مأموریت خواهد بود.

متمایزترین جنبه نظریه ژائو ایجاد یک دولت جهانی است. در سیستم تیان‌شیا یک دولت جهانی لازم است زیرا در چارچوب کنفوسیوسی قرار گرفتن واحدهای کوچک‌تر در ذیل واحدهای بزرگ‌تر بستگی دارد. بحثی که ژائو از این مبحث استخراج می‌کند این است که کسانی که می‌خواهند فضیلت را در سراسر پادشاهی به تصویر بکشند ابتدا باید ایالت خود را به درستی ترتیب می‌دادند. این سنت فلسفی، دولت را به‌عنوان بالاترین واحد سیاسی در نظر نمی‌گیرد، بلکه خود را در سیستمی بزرگ‌تر قرار می‌دهد. در این تئوری، جهان باید از سیستم دولت‌های فراملی و ستفالیبا عبور کند. یکی از سازوکارهای دستیابی به چنین مدینه فاصله‌ای، پیروی حکمرانی جهانی از الگوی خانواده است. ژائو قصد دارد جهان را به شیوه‌ای سلسله‌مراتبی و پدرانانه که نظم و ثبات را تضمین می‌کند، بازسازی کند (Zhao,2009:11).

او درحالی‌که دموکراسی را فاقد ظرفیت‌های جهانی می‌داند و از آن به‌عنوان یک سیستم پرتناقض یاد می‌کند، تأکید دارد که فلسفه سیاسی چین به دنبال کامل کردن یک سیستم سیاسی است، زیرا معتقد است، یک سیستم سیاسی خوب آن است که بتواند در تمام سطوح سیاسی، از ابتدایی‌ترین تا بالاترین و از محلی به ابعاد جهانی، اعمال شود (Zhao,2009:13). از این رو، در سیستم تیان‌شیا یکنواختی منجر به هماهنگی می‌شود. در اینجا پرسشی در ذهن ایجاد می‌شود که آیا می‌توان سازمان ملل را نسخه ای مدرن از تیان‌شیا دانست؟ ژائو معتقد است که ظرفیت سازمان ملل در رسیدگی به مشکلات جهانی محدود است؛ زیرا جهان‌بینی آن مبتنی بر دولت‌ها و بستری برای مجادله بر سر منافع ملی است (Smith,2020:55). بنابراین مطابق با آنچه از تیان‌شیا و تلاش ژائو گفته شد می‌توان استدلال کرد که تیان‌شیا یک حرکت از داخل به خارج است. جایی که اعمال اخلاقی افراد از خانواده به دولت و در نهایت به جهانیان سرایت می‌کند.

اما باید توجه داشت که این نظم باستانی برای رهبران سیاسی نیز الهام‌بخش بوده است. شی پینگ در نشست با سفیران خارجی خود تأکید دارد که سیستم تیان‌شیا برای ما نظامی گرامی است چراکه تیان‌شیا یک سیستم جهانی بدون مرز و هماهنگ است و به‌موجب آن یک دولت متعالی جهانی دولت‌ها را مدیریت می‌کند (Puranen,2019:58).

نتیجه‌گیری

افزایش قدرت چین یکی از موضوعات اصلی نظریه‌های روابط بین‌الملل است. رایج‌ترین راه برای پرداختن به این موضوع، بررسی توانایی‌های مادی و گزینه‌های استراتژیک منطقی است. برخلاف این رویکرد محبوب، این پژوهش تلاش کرد تا با اتکا به درک بهتر نخبگان چینی درباره نظم بین‌الملل و جایگاه پکن در جهان، تصویر ظریف‌تری از خیزش این قدرت ارائه دهد؛ بنابراین مقاله حاضر باهدف دستیابی به یک چارچوب جدید توضیحی در رابطه با چگونگی تأثیر قدرت بر خلق ایده و چگونگی استقرار ایده‌ها در نظم جهانی، با این پرسش آغاز شد که اندیشمندان چینی چگونه و برای دستیابی به چه هدفی سعی در جدا شدن از گفتمان مسلط غربی و خلق نظریه‌های بومی دارند؟ از آنجا که توازن قدرت در حال دور شدن از مرکز غربی است، پاسخ به این پرسش از دو جهت برای مطالعات بین‌الملل حائز اهمیت است.

۲۷



نگاه چینی به دانش
روابط بین‌الملل:
چارچوبی برای تغییر
نظم جهانی

از سویی بازگشت قدرت چین نه تنها یک پدیده مادی، بلکه یک پدیده اجتماعی و فرهنگی است که می‌تواند تأثیر عمیقی بر دانش و مطالعات روابط بین‌الملل بگذارد. از طرف دیگر، الگوی فعلی نظم جهانی تحت تأثیر خیزش قدرت چین خواهد بود و روندهای سیاست جهانی را تغییر خواهد داد.

در این راستا، ابتدا تحولات اخیر در حوزه مطالعات بین‌الملل چینی و روند تکوین آن مورد بررسی قرار گرفت. یافته‌ها نشان داد که روشنفکران در تلاش هستند تا با اتکا به ایدئولوژی ملی و نقوش برگرفته از فرهنگ سنتی، رویکرد چین در سیاست بین‌الملل را، منحصربه‌فرد و برتر از تفکر غربی نشان دهند. از طریق اتکا به نظریه کالینز که سطوح داخلی و خارجی مؤثر بر خلق ایده و دانش را معرفی می‌کند، این مقاله نشان داد که نوآوری‌های نظریه‌های چینی صرفاً یک تلاش آکادمیک و محصول عوامل کلان خارجی و عینی نیست. بلکه عوامل و تأثیرات اجتماعی و فرهنگی می‌تواند سریع‌تر و محلی‌تر خیزش قدرت چین را نشان دهد. مطابق با یافته‌ها این مقاله ادعا می‌کند که به‌جای درک نظریه‌های روابط بین‌الملل به‌عنوان یک‌رشته جهانی که در تحلیل عینی سیاست جهانی فعالیت می‌کند، نظریه‌های روابط بین‌الملل چینی به‌عنوان یک دانش اجتماعی می‌خواهد، هویتی منسجم و نقشی برجسته را در سیاست جهانی تعریف کنند.

با اتکا به آنچه کالینز لایه بیرونی نامید، یافته‌ها نشان می‌دهد که خیزش نظریه‌های روابط بین‌الملل چینی، متأثر از خیزش قدرت این کشور در جهان و تقابل با وضعیت فعلی است. همچنین این مطالعه، دو درک جدید از نظریه‌های چینی روابط بین‌الملل را شناسایی کرد. نخست اینکه نظریه پردازی محصول و ابزاری در مبارزه گفتمانی با غرب است، بدان معنی که بخشی از این تلاش نظری، از عدم رضایت از نظریه‌های غربی نشأت می‌گیرد که می‌تواند یک حوزه مخالف مفید برای جلب توجه فکری باشد. دوم اینکه نظریه پردازی چینی در حوزه مطالعات روابط بین‌الملل یک فرآیند هویت‌ساز برای مشروعیت بخشیدن و تثبیت موقعیت هژمونیک پکن در سیاست جهانی است که بیشتر از طریق کاربست جنبه‌های اخلاقی و جهان‌گرایی صورت می‌گیرد.

افزون بر این‌ها، این پژوهش نشان داد که چگونه ایده پردازی و مفاهیم انتزاعی به سمت سیاست‌گذاری و گفتمان رسمی سیاست خارجی چین در حال حرکت است. در کنار این، محتویات به‌دست آمده نشان داد استقلال سازمانی و مادی زندگی فکری، دانشمندان را قادر ساخته تا رویه‌های فکری خود را ایجاد کنند. در این میان، رشد اقتصادی پایه‌های اصلی را برای حمایت از زندگی فکری گسترش داده و فضایی بیشتری برای فعالیت‌های نظری فراهم کرده است. این فضای نوآوری فکری با رقابت پکن در عرصه بین‌الملل و مخالف بانظم فعلی تقویت شده و آن‌طور که کالینز استدلال می‌کند توانسته معماهای زیادی را برای اندیشمندان ایجاد کند.

اما بخش پایانی که به ارزیابی یکی از تلاش‌های نظری با عنوان سیستم تیان‌شیا اختصاص داشت، نشان داد که محققان روابط بین‌الملل چینی در حال بسط مفاهیمی چون نظم و هماهنگی هستند و تلاش دارند با اتکا به منابع فلسفی و باستانی، خیزش قدرت چین در عرصه سیاست بین‌الملل را با پرورش نوع جدیدی از حکومت‌داری با ماهیت اخلاقی توجیه کنند. به عبارتی، یکی از مهم‌ترین اهداف اندیشمندان چینی، ایجاد چشم‌انداز نظمی ایده آل و متمایز از نظم غربی است. اما باید اذعان کرد که اندیشه‌های ژائو در مورد "نظم تیان‌شیا" به دلیل انتزاع خود از واقعیت ساختار بین‌المللی و نگاه مسئله‌دار به اختیارات انسانی، بشدت محدود است. بسیاری از تحلیل‌های ژائو فاقد شواهد تجربی است و نمی‌توان با اشاره به واقعیت اجتماعی تأیید کرد. به‌عنوان مثال، ژائو به ما می‌گوید که شرایط کنونی جهان، یک جهان شکست‌خورده و بی‌نظم و هرج‌ومرج است. این

درواقع به چه معناست و این چقدر صحت دارد؟ علیرغم درگیری‌های بین‌المللی مداوم، نمی‌توان گفت که سیستم بین‌المللی فعلی ناکام است، زیرا بسیاری از کشورها، از جمله چین، از نظم لیبرال به رهبری غرب که پس از جنگ جهانی دوم برقرار شده است، بهره‌مند شده‌اند.

نهایتاً این مقاله نشان داد که چگونه اندیشمندان چینی در حال توسعه یک چارچوب گفتاری و ایده پردازی برای سیاست خارجی هستند تا که نقش خود را به‌عنوان یک قدرت بزرگ تعریف و موقعیت هژمونیک خود را مشروعیت بخشند.

منابع

آزاد، برمکی، وکیلی، عارف. (۱۳۹۰). «بررسی ایده شبکه تعاملات اجتماعی روشنفکران

رن‌دال کالینز در میان اندیشمندان ایرانی»، *فصلنامه مطالعات فرهنگی*، دوره ۷.

Liang Shoude (1997). Constructing an International Relations Theory with 'Chinese Characteristics', *Political Studies in East Asia*, Volume 49, Available online at: <https://doi.org/10.1177/003231879704900103>

ZHANG, YONGJIN. (2003). The 'English School' in China: a Travelogue of Ideas and their Diffusion. *European Journal of International Relations* 9 (1):87-114.

Nosset, nelet (2012). Is there a "Chinese School" of IR? , *GIGA Research Programme: Power, Norms and Governance in International Relations*, Available online at: https://www.files.ethz.ch/isn/141577/wp188_noesselt.pdf

Yaqing Qin (2011). Development of International Relations Theory in China: Progress through Debates, *International Relations of the Asia-Pacific*, Available online at: https://www.researchgate.net/publication/274409706_Development_of_International_Relations_Theory_in_China_Progress_through_Debates/link/5b972b37a6fdccfd5445232e/download

Evgeny N. Grachikov (2019). Chinese School of International Relations, *Russia in Global Affairs*, Available online at: <https://eng.globalaffairs.ru/articles/chinese-school-of-international-relations/>

Lu Peng (2018). Chinese IR Sino-centrism tradition and its influence on the Chinese School Movement, *THE PACIFIC REVIEW*, Available online at: https://www.researchgate.net/publication/324761622_Chinese_IR_Sino-centrism



- centrism_tradition_and_its_influence_on_the_Chinese_School_Movement
- Hobson, John M. *The Eurocentric Conception of World Politics: Western International Theory, 1760-2010*. New York: Cambridge University Press, 2012.
- Nadège Rolland (2020). china's vision for a new world order, the national bureau of asian research
- Laurence Brahm (2018). 'China solution' is diversified solution, Available online at: <http://www.chinadaily.com.cn/a/201801/19/WS5a613485a3106e7dcc1352f4.html>
- Tarak Barkawi's (2006). *The Postcolonial Moment in Security Studies, Review of International Studies*, Available online at: https://www.files.ethz.ch/isn/123383/2006_The_Postcolonial_Moment_in_Security_Studies.pdf
- Jianwei Wang (2009). *China's Peaceful Rise: A Comparative Study*, University of Wisconsin
- Zhao Tingyang (2009). *A Political World Philosophy in terms of All-under-heaven (Tian-xia)*, SAGE: Los Angeles, London, New Delhi and Singapore, Available online at: https://www.researchgate.net/publication/249742647_A_Political_World_Philosophy_in_terms_of_All-under-heaven_Tian-xia
- Matti Puranen (2019). "All Under Heaven as one Family": Ideology and the emerging Chinese Great Power Identity, *JCIR*: Vol. 7, No. 1, Available online at: <https://core.ac.uk/download/pdf/270207996.pdf>
- Smith, Stephen (2020). *World Order with Chinese Characteristics: The Development of Chinese International Relations Theory and Implications for China's Foreign Policy*, Carleton University
- Geeraerts, Gustaaf, and Jing Men (2001). "International Relations theory in China." *Global Society* , 15
- Song, Xinning (1997). "International Relations theory-Building in China." *Political Science* , 49
- Qin, Yaqing (2007). "Why Is there No Chinese International Relations theory?" *International Relations of the Asia-Pacific* , 7
- Wang, Yiwei (2009). "China: Between Copying and Constructing." In Arlene Tickner and Ole Wæver (eds.) *International Relations Scholarship around the World* . London and New York: Routledge.

۳۰

پژوهش‌های
روابط بین‌الملل

فصلنامه

پژوهش‌های

روابط بین‌الملل،

دوره (سال) ۱۱،

شماره ۳، پیاپی

۴۲، پاییز ۱۴۰۰